

## امام خمینی(ره) و الگوهای نوین مبارزاتی علیه رژیم پهلوی

۱۵ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۲۰:۴۲

با تثبیت رهبری روحانیت شیع در مبارزه با رژیم پهلوی، تبعید امام(ره) سبب نشد که خللی در مبارزه به وجود آید اگر چه پیشرفت آن کند شد اما متوقف نشد. شبکه تشکیلاتی که در میان روحانیت وجود داشت، سبب شد که آتش مبارزه خاموش نشود. اگر چه امام تبعید شده بود، اما شاگردانی که ایشان طی این سال ها تربیت کرده بود با اطاعت کامل از رهبری خود همچنان به مبارزه خود ادامه دادند. شبکه های گسترده ارتباطی که تعداد زیادی از مساجد، هیأت ها و انجمن های مذهبی را دربرمیگرفت به عرصه ای برای تجمع و تبادل اخبار و اطلاعات تبدیل شده بود....

کافه تاریخ- مقالات

مقدمه

مذهب تشیع از مهمترین مؤلفه های هویت فرهنگی و تاریخی ملت ایران است و همواره در فرایند تحولات اجتماعی- سیاسی جامعه نقش اساسی ایفا کرده است. نیروهای مذهبی و عالمان شیعه با توجه به دیرینگی بنیادهای دینی و آمیختگی عرصه های مختلف حیات اجتماعی با دیانت اسلام، از جایگاه و اعتبار اجتماعی گسترده ای برخوردار بوده اند. تعاملات دین با نظام سیاسی بخش عمده ای از تحولات تاریخ ایران را به خود اختصاص داده است. روحانیت شیعه در تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی ایران تا قبل از انقلاب اسلامی در چهار مبارزه سیاسی شرکت جسته است، که در هر چهار مبارزه نقش رهبری را به عهده داشته است: قیام تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت و قیام ۱۵ خرداد. آن چه که حضور روحانیت را در این مبارزات با اهمیت و ارزشمند ساخته، توانایی آنان در بسیج عمومی بوده است. روحانیت در ایران فقط نهاد مذهبی ساده با کارویژه اعتقادی صرف نیست. روحانیون از جهاتی همانند احزاب سیاسی جهان دارای یک سازماندهی نسبتاً کارا در سطح کل جامعه تا کوچکترین واحد اجتماعی محلات بوده و هستند که اجزای آن در شرایط مناسب به طور منسجم از بالا به پایین و همچنین از پایین به بالا نیز با هم ارتباط دارند. ۳

منابع قدرت روحانیت در جامعه ایرانی

روحانیت شیعه در جامعه ایران از چنان منابع قدرتی برخوردار بوده است که هیچ گروه و سازمانی نمی توانسته است خود را هم تراز با آن نشان دهد، از مهمترین این منابع قدرت می توان به سه منبع زیر اشاره کرد:

- نهاد مرجعیت: مرجعیت در مکتب تشیيع، نوعی استمرار امامت در عصر غیبت است که تا اندازه ممکن وظایف امام معصوم را بر عهده می گیرد. مسأله رجوع به مجتهد جامع الشرايط با عنوان مرجع تقلید، پشتوانه مردمی بسیار محکمی برای مرجع تقلید فراهم می کند تا از توانایی های اجتماعی و سیاسی بالقوه قدرتمند در کنار توانمندی های دینی برخوردار شود. لزوم پیروی از مرجع جامع الشرايط سبب می شود که اکثریت مردم به عنوان مقلد اقتدار مراجع را بپذیرند. نهادینه شدن این موضوع با توجه به تأکید بر تقلید از مجتهد زنده، دستگاه مرجعیت را به طور فعال و زنده نگه می دارد و حلقه های واسط یعنی ملاها، مبلغان و خطیبان مردم را با ترویج احکام شرعی و پذیرش وجوهات و پذیرش وجوهات و فرستادن آن به مرجع دینی به دستگاه مرجعیت متصل می کنند. ۴

- داشتن سازمان و تشکیلات: روحانیون در مقایسه با سایر گروه های سیاسی و نیروهای اجتماعی در ایران، مناسب ترین سازمان را در اختیار داشته است. سازمان و تشکیلات هم وسیله کسب قدرت است و هم وسیله اجرای آن. هیچ نیرو و طبقه اجتماعی نمی تواند قدرت را تصاحب کند مگر آن که صاحب سازمان باشد. روحانیون از دیرباز دارای سازمان نسبتاً استوار و سلسله مراتبی بوده است. ۵

- استقلال مالی: از منابع مهم قدرت روحانیت شیعه برخورداری از استقلال مالی بوده است. اوقاف، نذورات، خمس و زکات از مهمترین منابع تأمین کننده استقلال مالی روحانیت بوده است. استقلال مالی سبب می شده است که وابستگی روحانیون به دولت و قدرت مرکزی کمتر شود. به عبارت دیگر استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی را نیز به همراه داشته است. که البته این منبع برای روحانیون عالی رتبه فراهم بوده است.

ظهور امام خمینی(ره) و تشدید مبارزات انقلابی

اگر چه با دارا بودن چنین منابع قدرتی، روحانیت به عنوان نیروی تأثیرگذار در ساختار جامعه ایرانی مطرح بوده، و لذا در طول تاریخ معاصر ایران، روحانیت همیشه در تقابل و تعارض با قدرت سیاسی وابسته و خودکامه قرار گرفته است. این روند به ویژه بعد از رحلت آیت الله بروجردی و رهبری انقلابی حضرت امام خمینی(ره) شدت یافت. شبکه فرهنگی و ارتباطی که در حوزه قرار داشت با تقویت جریان انقلابی روحانیون بر اثر دو عامل در خدمت انقلاب اسلامی قرار گرفت: عامل نخست ظهور خود امام خمینی بود که به نخستین نظریه سیاسی نظامند طی چند نسل اخیر مجهز بودند. ظهور امام(ره) در واقع خط بطلانی به جدایی دین از سیاست کشید.

ثانیاً امام خمینی طی دوران تدریس در حوزه علمیه قم چند صد طلبه را آموزش دادند که نسل جدیدی از روحانیون را تشکیل می دادند. اینان که عمیقاً متعهد به فلسفه سیاسی امام خمینی بودند، منابعی را گردآورده و ساختار تشکیلاتی سازمان مذهبی را احیا کردند. شکل گیری یا حرفه ای شدن این سازمان نبود که در موفقیت جنبش مؤثر بود هر چند که کارایی فزاینده در شبکه ارتباطی بسیار اهمیت داشت، بلکه احیای زیر ساخت تشکیلاتی که در تار و پود ساختار اجتماعی جای گرفته بود باعث بسیج توده ای شد. سازوکارهای درونزا و نه منابع سازمانی خارجی برای توسعه سازمان جنبش اهمیت زیادی داشتند. به عبارت دیگر مشارکت کنندگان در جنبش لازم نبود برای ایجاد الگوی سازمانی جدید و کارآمد به سازماندهندگانی از خارج تکیه کنند، زیرا از قبل متشکل بودند. ۶

چنین شبکه ای بر عوامل انسانی تکیه می کرد نه عوامل فناوری، حزبی و اقتصادی. ظرفیت و کاربرد نیروهای انقلاب به مراتب بسیار بالاتر از دستگاه رژیم پهلوی بود. زیرساخت های ارتباطی سنتی ایران که طی قرن ها تحت دین مبین اسلام و ابتکار فرهنگ ویژه این سرزمین ریشه دوانیده بود ولی به دلایلی در حال رکود بود، ناگهان قوت گرفت. جرقه اعتراض و تظاهرات تحت این زیرساخت ها به شعله های انقلاب تبدیل شد بسیج ملی و سراسری را شکل داد و همه را به شگفتی واداشت. ۷

اما آن چه که رهبری امام خمینی (ره) را در مبارزه علیه رژیم تثبیت کرد، قیام ۱۵ خرداد ۴۲ بود. قیام ۱۵ خرداد یک جنبش عمومی مذهبی علیه رژیم در حمایت و با هدایت و رهبری حضرت امام(ره) بود. این تحرک صددرصد به نیروهای اسلامی تعلق داشت. هیچ گروه و دسته ملی و غیرمذهبی مدعی سهمی در این روز نیست. احساسات درونی و ریشه های معنوی انگیزه های این برپایی بود. این حرکت از قبل صف آرای و برنامه ریزی نشده بود. کسی به طور مستقیم به جمع آوری و یا بسیج توده مبادرت نکرده بود. ۸

با این جریان بود که اسلام مبارز به قلب مرجعیت راه یافت و از موقعیت روحانی، اجتماعی و سیاسی و به خصوص از منابع مالی آن برخوردار شد. این جریان تازه از یکسو بخش بزرگی از طبقات متجدد و به خصوص روشنفکران را به سوی خود کشید و از سوی دیگر با حفظ رهبری سنتی خود و نیز با سود جستن از ناآگاهی، ضعف رهبری، فقدان همبستگی و پراکندگی فکری، در طبقات متجدد رهبری جامعه را بر عهده گرفت. تا قبل از قیام ۱۵ خرداد، روشنفکران متجدد که یا گرایش های چپ و یا گرایش های ملی و لیبرالی داشتند با بدبینی و با نظر تحقیر به روحانیت نگاه می کردند و آن ها را نیروهای ارتجاعی می دانستند. این احساس بدبینی و بی اعتمادی متقابل بود. علماء و طلاب نیز نسبت به روشنفکران نظر مساعدی نداشتند و آنان را فرنگی مآب و دشمن دین و بیگانه از سنت ها می دانستند. قیام ۱۵ خرداد و ظهور روحانیت مبارز در حوزه علمیه دو پیامد بزرگ داشت، از یکسو نیروی تازه ای از روشنفکران جوان در میان طلاب پدید آورد که زبان روشنفکران را می فهمیدند و به سیاست می اندیشیدند و جریان های سیاسی را دنبال می کردند و از سوی دیگر سبب دلگرمی و امیدواری روشنفکران به روحانیت و یا بخشی از آن شد. ۹

با تثبیت رهبری روحانیت شیخ در مبارزه با رژیم پهلوی، تبعید امام سبب نشد که خللی در مبارزه به وجود آید اگر چه پیشرفت آن کند شد اما متوقف نشد. شبکه تشکیلاتی که در میان روحانیت وجود داشت، سبب شد که آتش مبارزه خاموش نشود. اگر چه

امام تبعید شده بود، اما شاگردانی که ایشان طی این سال ها تربیت کرده بود با اطاعت کامل از رهبری خود همچنان به مبارزه خود ادامه دادند. شبکه های گسترده ارتباطی که تعداد زیادی از مساجد، هیأت ها و انجمن های مذهبی را دربرمیگرفت به عرصه ای برای تجمع و تبادل اخبار و اطلاعات تبدیل شده بود. مساجد و حوزه های علمیه به یکی از ارکان اساسی بسیج اجتماعی تبدیل شده بودند.

پس از اینکه اعتراضات در سال ۱۳۵۶ دوباره علیه شاه آغاز شد، شبکه ها و نهادهای ارتباطی میان روحانیون و مردم از طریق مساجد و مراسم های مذهبی برای تقویت و تداوم بخشیدن به مقاومت فراگیر علیه حکومت با شدت بیشتر آغاز به کار کرد. قیام امام حسین علیه السلام چارچوب و الگویی برای مبارزه علیه شاه مورد استفاده قرار گرفت. ۱۰

با تشکیل جامعه روحانیت مبارز در سال ۱۳۵۶، برنامه ریزی راهپیمایی ها، سخنرانی در مساجد، تهیه شعارها و در مجموع سازماندهی نهضت و مبارزه عمدتاً توسط روحانیون مبارز صورت می گرفت. در حالی که بسیاری از نیروهای مخالف با مشکلاتی چون فقدان رهبری، ضعف تشکیلاتی، عدم انسجام فکری، تفرقه و انشعاب رو به رو بودند، اما روحانیت با وجود امام(ره) و دارا بودن شبکه ای از روحانیون در سراسر کشور از مزیت مهمی برخوردار بودند. ۱۱ جامعه روحانیت فعالیت های گسترده ای را به صورت مخفی و نیمه علنی آغاز کرد.

مرکزیت اعتصاب ها عملاً در ستاد مرکزی امام خمینی در تهران مستقر بود. شهید بهشتی که خانه اش مرکز این هماهنگی ها بود، با یک سازماندهی کارساز، اعتصاب ها را هماهنگ کرد و به تدریج سراسر کشور را به آن متصل کرد. ۱۲ توانایی وسیع و گسترده روحانیت در آگاهی بخشی و انتقال اخبار، قدرت فراوانی را برای روحانیون به منظور سازماندهی تجمعات و راهپیمایی ها و اعتصابات در جریان انقلاب فراهم می کرد. راهپیمایی های روزهای عید فطر، ۱۶ و ۱۷ شهریور، تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ از عظیم ترین و باشکوه ترین صحنه های حضور مردم در مخالفت با رژیم شاه بود که روحانیت هدایت و کنترل آن ها را بر عهده داشت. چنین توانایی عظیم در سازماندهی و اقدام جمعی گویای پتانسیل بالای روحانیت برای بسیج عمومی بود.

آن روزها مهمترین نمود مبارزات، راهپیمایی های بسیار وسیع مردم بود. راهپیمایی ها معمولاً از مساجد محلات مختلف تهران با پیشتازی روحانیت شروع می شد و در خیابان های اصلی تهران بهم می پیوستند و به نقطه ی مورد نظر می رفتند و در همه جا روحانیون متعهد و انقلابی در جلوی صفوف بودند. ۱۳

بنابراین می بینیم که روحانیون از چنان توان و قابلیت در سازماندهی و بسیج عمومی برخوردار هستند که از یکسو نشان از قدرت تشکیلاتی آنان و از سوی دیگر نشان از مقبولیت آنان در میان توده مردم است. با قاطعیت می توان گفت که روحانیون در میان گروه های مبارز، مقبول ترین و موجهه ترین گروه برای توده مردم بوده اند. به طوری که عملاً روحانیت است که رهبری مبارزه علیه رژیم را بر عهده دارد.

پی نوشتها:

۱. فرهاد شیخ فرشی، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۵.
۲. حمید عنایت، انقلاب در ایران سال ۱۹۷۹، ترجمه مینا منتظر لطف، فرهنگ توسعه، ش ۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۷.
۳. احمد نقیب زاده، وحید امانی زوارم، نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹.
۴. سید هدایت جلیلی، نهاد مرجعیت و قدرت سیاسی، روزنامه ایران، ۱/۹/۱۳۷۷، ص ۱۰.
۵. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: سمت، ۱۳۷۹، صص ۱۳۰-۱۳۱.
۶. محمد هادی سمتی، نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی، در: رهیافت نظری بر انقلاب اسلامی، گردآوری: عبدالوهاب فراتی، قم: معارف، ۱۳۷۹، صص ۷۲-۷۳.
۷. حمید مولانا، اسطوره دموکراسی، تهران: کیهان، ۱۳۸۵، ص ۳۰۹.
۸. جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۵۳.
۹. احمد اشرف، سنت گرایی و تجددخواهی، ایران نامه، ش ۲، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۷۹.
۱۰. تدا اسکاچپول، حکومت تحصیل دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین زاده، در: فراتی، پیشین، ص ۲۰۴.
۱۱. علی دارابی، سیاستمداران اهل فیضیه، تهران: سیاست، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴.
۱۲. مسعود بهنود، از سید ضیا تا بختیار، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۷، ص ۸۲۴.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۷۰۷۱/مبارزات-نوین-الگوهای-ره-خمینی-امام/۳۷۰۷۱>